

کارشناسان بر اساس تجربه: 6 ماه اول غزاله و نیدال

در باره 6 ماه اول اسکان مجدد غزاله و نیدال در بریتانیا بخوانید

خانواده‌ها می‌توانند سال‌ها منتظر اسکان مجدد باشند، بنابراین شنیدن این موضوع که غزاله و نیدال به آنها گفته می‌شود که قرار است به بریتانیا اسکان داده شوند، باورشان نمی‌شود، قابل درک است! آنها زمان و تجربه زندگی در بریتانیا را با ما در میان گذاشتند و متوجه شدند که 6 ماه اول زندگی خود در اینجا چگونه بوده است. غزالا و نیدال از کاشت درخت گرفته تا دادن و دریافت کارت های کریسمس تا اینکه بدانند چگونه می‌توانند از شرایط خود در اینجا استفاده کنند، غزالا و نیدال تجربه خود را با ما به اشتراک می‌گذارند

از آمدن به انگلستان چه احساسی داشتید؟

غزاله: من واقعاً خوشحال شدم که به انگلستان آمدم، کشوری که آغوش خود را به روی من و خانواده ام باز کرد. ما برای آینده دخترانمان به اینجا آمديم، و بنابراین دانستن اینکه دختران ما در اینجا فرصت هایی خواهند داشت، این چیزی است که ما را بسیار خوشحال کرده است. روز پرواز ما پر از احساسات مختلف بودیم. از اینکه بالاخره به بریتانیا سفر کردیم خوشحال بودیم، اما ناراحت بودیم که دوستانی را در لبنان پشت سر گذاشتیم. و ما احساس اضطراب می‌کردیم زیرا نمی‌دانستیم واقعاً به چه چیزی وارد می‌شویم. فکر می‌کنم همه ما، بزرگسالان و کودکان، همه این احساس را داشتیم

وقتی برای اولین بار به ما گفتند که ما برای اسکان مجدد پذیرفته شده ایم، نمی‌توانستیم آن را باور کنیم - فکر می‌کردیم آنها با ما شوخی می‌کنند! من به آنها گفتم: "فقط حقیقت را بگویید - شما کی هستید و چرا زنگ می‌زنید؟" اما سپس آنها گفتند "نه، واقعاً ما به شما حقیقت را می‌گوییم!". حتی زمانی که کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان از من خواست تا با آنها ملاقات کنم، در جلسه همچنان به این فکر می‌کردم که "آیا این واقعا اتفاق می‌افتد؟" به نظر نمی‌رسید واقعی باشد، بنابراین به آنچه آنها می‌گفتند مشکوک بودم - اما فقط به این دلیل که نمی‌توانستم باور کنم که بالاخره این اتفاق می‌افتد! تماس دومی که دریافت کردیم، آن زمان بود که به ما گفتند که قرار است به بریتانیا اسکان داده شویم، و آن زمان بود که من کاملاً خوشحال شدم زیرا می‌دانستم دخترانم می‌توانند زندگی واقعاً خوبی در بریتانیا داشته باشند، به خصوص به این دلیل که آنها تحصیلات خوبی خواهد داشت ما می‌دانستیم که بسیاری از مردم می‌خواهند به طور خاص برای تحصیل به بریتانیا بیایند، بنابراین من از دانستن اینکه دخترانم این را دریافت خواهند کرد، هیجان‌زده شدم

در آن زمان که با من تماس گرفتند، نیدال سر کار بود، بنابراین با او تماس گرفتم تا به او بگویم که ما به تازگی برای اسکان مجدد در انگلستان پذیرفته شده ایم. از شنیدن این حرف خیلی خوشحال شد! وقتی این موضوع را به دیگران گفتم، آنها هم برای ما بسیار خوشحال شدند

نیدال: وقتی غزاله با من تماس گرفت تا خبر را به من بگوید، ابتدا باورم نمی‌شد - فکر می‌کردم با من شوخی می‌کنند! اما وقتی داشتیم در مورد آن بحث می‌کردیم، متوجه شدم که این واقعی است. فقط در آن صورت بود که بالاخره توانستم به خودم اجازه دهم از این بابت احساس خوشحالی کنم

زندگی در لبنان چگونه بود؟

غزاله: لبنان کشوری است که ما را به خود جذب کرد و ما هفت یا هشت سال در آنجا زندگی کردیم و از کارهایی که کشور برای ما انجام می داد قدردانی کردیم. زمانی که در آنجا زندگی می کردیم، در جامعه ادغام شدیم و در آنجا دوستی برقرار کردیم. اما کیفیت زندگی ما خوب نبود، زیرا مکان آسانی برای بازسازی زندگی شما نیست. ما به ویژه در مورد تحصیل فرزندانمان نگرانی های زیادی داشتیم، زیرا آنها نمی توانستند به همه منابع برای کمک به آنها در مدرسه دسترسی داشته باشند، بنابراین ما احساس نمی کردیم تحصیلات آنها خوب است. به همین دلیل است که گفتم وقتی به ما گفتند که به بریتانیا می آیم بسیار خوشحال شدیم، زیرا ما به فرصت های دخترانمان فکر می کردیم

در لبنان یافتن کار مشکل بود. دنبال کار گشتم اما چیزی که برایم مناسب باشد پیدا نکردم. من از دانشگاه حلب در سوریه فارغ التحصیل شدم، و مدرک تحصیلی من در مواد غذایی و کشاورزی، تخصص در علوم غذایی بود - مواردی مانند مراجعه به تولیدکنندگان برای درک نحوه تهیه غذا، مواد تشکیل دهنده و کیفیت غذا. اما تجربه کاری در این زمینه نداشتم تا به من کمک کند کار مناسب با حقوق خوب در لبنان پیدا کنم. و بنابراین در عوض در یک کلیسا داوطلب شدم و به توزیع غذا بین پناهندگان کمک کردم

نیدال: من قبلاً در لبنان بوده و کار کرده بودم، حتی قبل از شروع درگیری در سوریه، و بنابراین از قبل با کشور و بازار کار آنجا آشنا بودم. این کار پیدا کردن کار را برای من آسان تر کرد، زیرا قبلاً در بازار کار لبنان تجربه داشتم

زندگی به عنوان یک زن در سوریه و لبنان چگونه بود و آیا تفاوتی با زندگی به عنوان یک زن در بریتانیا داشته است؟

غزاله: برای من شخصاً، فقط در مورد تجربه خودم صحبت می کنم، احساس نمی کنم تفاوتی در احساس من به عنوان یک زن در سوریه و لبنان در مقایسه با بریتانیا وجود داشته باشد. من همیشه خودم بودم و هرگز احساس نکردم که در هیچ یک از کشورهای من زندگی کرده ام تفاوتی در رفتار با من وجود دارد

هنگامی که به یک کشور جدید و یک فرهنگ جدید آمدم، چالش برانگیزترین چیز یادگیری یک زبان جدید بود. برای من، یادگیری یک زبان جدید خوب بود، احساس می کردم کاری می توانم انجام دهم

نیدال: در حالی که برای من یادگیری زبان سخت تر بود. قطعاً مانع زبانی سخت ترین چیز بوده است

این تجربه برای فرزندان شما، ترک لبنان و آمدن به بریتانیا چگونه بوده است؟

غزاله: دختران ما در لبنان با هم دوستی کرده بودند و از اینکه دوستان خود را ترک کردند و به ناشناخته رفتند ناراحت بودند. آنها نمی دانستند که قرار است در بریتانیا با چه چیزی روبرو شوند. اما وقتی به اینجا رسیدیم، دختران گروه حمایت از جامعه را دیدند، خانه جدید ما را دیدند و دیدند که هر کدام از آنها اتاق خواب مخصوص به خود را دارند - این باعث شد آنها احساس بهتری داشته باشند و از حضور در اینجا هیجان زده شوند. در لبنان، همه ما در یک اتاق زندگی می کردیم، بنابراین دختران قبلاً هرگز اتاق خود را نداشتند. آنها به زودی دیدند که کیفیت زندگی در بریتانیا بسیار بهتر از آنچه قبلاً داشتیم است. در اینجا اسباب بازی هایی به آنها داده شد تا با آنها بازی کنند و این چیزها به آنها کمک کرد تا ایده زندگی در اینجا را باز کنند و به زودی احساس خوشحالی بیشتری کردند

روز اول مدرسه خیلی نگران آنها بودم. وقتی آنها را برای مدرسه رها کردیم، در مورد نحوه ارتباط آنها، عدم شناخت آنها و نداشتن دوستان و اینکه همه چیز برای آنها بسیار جدید و غریبه است، نگران بودم. وقتی رفتیم دخترها را از مدرسه ببریم، قلبم آنقدر تند و بلند می تپید که نمی دانستم آنها در چه وضعیتی قرار دارند. اما وقتی من را بیرون دروازه مدرسه دیدند، به سمتم دویدند. و به من گفت که چقدر خوشحال بودند! چگونه مدرسه آنها را به افراد دیگر معرفی کرده بود و چقدر از همه استقبال می کردند. و اکنون آنها در مدرسه بسیار خوشحال هستند، اما از حضور در بریتانیا نیز خوشحال هستند

و به طور کلی، دختران در مدرسه بسیار خوب عمل می کنند و به پیشرفت خود ادامه می دهند. آنها خیلی سریع چیزها را یاد گرفته اند! گاهی اوقات دخترها وقتی با پدرشان بیرون می روند، برای او تفسیر می کنند. و اگر برخی از کلمات انگلیسی را سخت بیابیم، آن ها هم به من کمک خواهند کرد

دوست دارید در آینده چه کاری انجام دهید؟

غزاله: اولویت اول من یادگیری زبان است. فکر می کنم وقتی به زبان مسلط شدید، درهای بیشتری را به روی شما باز می کند و رسیدن به آنچه می خواهید را آسان تر می کند. و از آنجایی که من سال ها در رشته غذا و کشاورزی تحصیل کردم، می خواهم ببینم آیا فرصت های شغلی مرتبطی برای من در این بخش وجود دارد، شغلی که بتوان از صلاحیت من به خوبی استفاده کرد

من همچنین با گروهی از افراد داوطلب شده ام، جایی که از باغ ها مراقبت می کنیم، کاشت می کنیم و کارهای محوطه سازی انجام می دهیم، مانند بریدن درختان به اشکال مختلف. من داوطلب می شوم زیرا می خواهم به کشوری که من و خانواده ام را به آنجا برده است برگردانم، بنابراین اکنون که اینجا هستم می خواهم به مراقبت از محیط زیست اینجا کمک کنم. من واقعاً از انجام کار داوطلبانه لذت می برم، احساس خوشحالی می کنم که در این راه جبران کنم. این چیزی است که من همیشه از آن لذت می بردم، حتی زمانی که در لبنان داوطلب شدم. وقتی در حال کاشت درخت هستم، خوب است که فکر کنم روزی افراد دیگر می توانند از این درختان و این محیط لذت ببرند. همچنین، این راهی برای من برای ترکیب با افراد دیگر، یادگیری مهارت های جدید، ایجاد روابط دوستانه و همچنین تمرین مهارت های زبانی است

نیدال: من روی یادگیری زبان تمرکز کرده ام تا بتوانم راحت تر با مردم ارتباط برقرار کنم. من قبلاً به عنوان یک خیاط کار کرده ام و بنابراین می خواهم دوباره بتوانم این کار را انجام دهم. اگر روزی ممکن است، پس من می خواهم خیاطی خودم را باز کنم

غزاله: اگر چیزی پاره شد درستش می کند. دوست دارم به شوخی بگویم به خاطر مهارت های خیاطی اش با او ازدواج بکردم

اولین زمستان شما در انگلستان چگونه بود؟

غزاله: من واقعاً انتظار داشتم اینجا هوا خیلی بدتر باشد. در لبنان در زمستان، ممکن است بسیار سرد و بارانی باشد و برخی روزها باران قطع نمی شود. بنابراین، زمستان در بریتانیا بهتر از آن چیزی بود که فکر می کردم. در لبنان، کریسمس نیز جشن گرفته می شود، اما آنچه من در اینجا متوجه شدم این است که جشن کریسمس بسیار بزرگتر است. برای دیدن چراغ ها و دکوراسیون کریسمس به لندن رفتیم. همچنین، ما واقعاً از ژست زیبای کارت های کریسمس خوشمان آمد. وقتی دخترها از مدرسه به خانه آمدند، کارت های کریسمس را که از دوستان دریافت کرده بودند به ما نشان داده بودند. و وقتی به کالج رفتیم، معلممان به ما کارت های کریسمس دادند. دوست داشتنتی بود و چیزی نبود که قبلاً تجربه کرده بودیم. در مدرسه دخترانه، جشن کریسمس و یک نمایش مدرسه بود که ما برای دیدن آن رفتیم. دختران در مدرسه مشغول خواندن آهنگ بودند که واقعاً از آن لذت می بردند

6 ماه گذشته چگونه بوده است که مورد استقبال و حمایت یک گروه حامی اجتماعی قرار گرفته است؟

غزاله: زمانی که ما در لبنان بودیم، جلسه ای داشتیم که در آن با زندگی در بریتانیا آشنا شدیم و در مورد آنچه باید انتظار داشته باشیم آشنا شدیم. و همچنین ویدیویی را دیدیم که در آن گروه حمایت از جامعه خود را معرفی می کردند و هر کدام می گفتند که کی هستند. این به ما کمک کرد حتی قبل از ملاقات با گروه کمی احساس کنیم. بنابراین، وقتی به بریتانیا رسیدیم و گروه را در فرودگاه ملاقات کردیم، هر کدام از آنها را با نام صدا می زدیم و احساس می کردیم که کمی آنها را می شناسیم

این گروه به ما کمک کرده اند تا در جامعه اینجا ادغام شویم و به ما کمک کرده اند تا در بسیاری از جنبه های زندگی حرکت کنیم. چیزهایی مانند گرفتن وقت پزشک عمومی، خرید در سوپرمارکت، کمک به ما برای ثبت نام در کالج و آوردن دختران به مدرسه، و بسیاری از کارهای دیگر برای زندگی در اینجا. آنها در هر مرحله با ما بوده اند

وقتی برای اولین بار وارد شدیم و دیدیم که چگونه خانه را برای ما آماده کرده اند، تقریباً فراموش کردیم که تازه وارد این کشور شده ایم زیرا می توانستیم زندگی جدید خود را در خانه ای که آنها برای ما ساخته بودند ببینیم. این چیزی است که از تک تک اعضای گروه تشکر می کنیم

چه توصیه ای به سایر خانواده هایی که در بریتانیا مستقر می شوند، می کنید؟

غزاله: به هر خانواده ای که تازه وارد است می گویم زیاد فکر نکنید، هر لحظه زندگی کنید. اگر احساس می کنید در مورد چیزی مضطرب هستید، سعی کنید با آرامش به مسائل نزدیک شوید. بدانید که چیزهای جدید خوبی در انتظار شما هستند، از جمله فرصت ها و تحصیل برای فرزندان